اگاه ازو ست شه چه شناسد که کیست دیگر از اخلاق نامرضیه ایشان کید است در روه مسلمانان و از غایت
حسد در عداوت کوشیدن با ایشان و آن چنان بود که فنحاص بن عازورا و زید بن قیس از یهود بعد از وقعه
احد حذیفة بن الیمان و عمار بن یاسر را گفتند دیدید که درین واقعه بشما چه رسید و چگونه هزیمت و شکست بر شما
افتاد اگر دین شما حق بودی این حال بر شما وارد نشدی بیایید بدین ما روشن بهتر و کیش ما پاکیزه تر است باز گردید عمار
گفت من با محمد صلوات الله علیه عهدی بسته ام تا زنده باشم از وی روی نگردانم و از دین و آیین او برنگردم بیت
بشرط ولی کوی او نروم که تا جان برنیاید برنیاید ایشان از قول عمار خجل زده و خاکسار شده گفتند اما حذیفه
مبادا ابن عمار خود صابی گشت و کیش اسلاف خود گذاشته بخلاف ایشان دینی دیگر اختیار کرد گفتند ای
حذیفه حاصل سخن پس روی بحذیفه آوردند که تو چه میگویی گفت اما انا فقد رضیت بالله ربا و بمحمد نبیا من بربوبیت حق تعالی
و برسالت محمد صلی الله علیه و امامت قرآن و قبله بودن کعبه و اخوة مؤمنان راضی شده ام و آنچه او پسندیده بیت
کیش من است شوانم گذشت از کیش خویش ایشان از وی نیز ناامید شده گفتند بخدای موسی که نهال دوستی محمد
صلوات الله در زمین دل ایشان چنان راسخ گشته که بصرصر افسون و افسانه کسی منقلع گردد پس حذیفه و عمار نزد
سید مختار علیه صلوات الجبار آمده صورت واقعه معروض گردانیدند و آنحضرت فرمود که اصبتما الخیر و افلحتما پس کریمه
رسید و فرود آمد یعنی حق تعالی و تقدس در شان ایشان فرستاد وَدَّ كَثِيرٌ دوست میدارند و آرزو می برند
بسیاری مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ از اهل توراة یعنی یهود لَوْ يَرُدُّونَكُمْ اگر گردانند شما را صاحب توراة آورده که لو
آن می آید در معنی نه در لفظ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا از پس ایمان شما ناگرویدگان یعنی جهودان میخواهند که شما را از ایمان
بگردانند و بکفر برند حَسَدًا از روی حسد و آن تمنای ازاله نعمت از غیر خود و از احد بود بر اهل ایمان ناشی شده
مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ از نزدیک نفسهای ایشان یعنی ایشان الحسد نفرموده بلکه بمقتضای طبیعت نهاد خود در سنگ بود
دوستی ایشان مراورا و مسلمانان را نه از روی تدین و نیکخواهی بلکه از روی حسد و تباهی بود مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ از پس آنکه
روشن شد و هویدا گشت لَهُمُ الْحَقُّ مر ایشان را آنچه راست و درست است یعنی رسالت محمد صلعم و صحت دین اسلام
بنعوت و صفات مذکوره در توراة آورده اند که بعد از وقوع این قضیه مسلمانان از حضرت رسالت دستوری طلبیدند
در کشتن یهود که با وجود کفر خود مسلمانان را بدین باطل خود دعوت میکردند این آیه آمد که فَاعْفُوا پس درگذرانید
ای مسلمانان و بگذرید از قتال ایشان وَاصْفَحُوا و روی بگردانید و اعراض کنید از جواب آن بدکیشان حَتَّى
يَأْتِيَ اللَّهُ تا بیارد خدای بِأَمْرِهِ فرمان خویش را که حکم است بقتال یا امر بجزیه یا قتل بنی قریظه و اجلای بنی نضیر
یا اسلام جمعی و استسلام بعضی در اسباب نزول آورده که کعب بن الاشرف یهودی که از اشرار خابان شعرای عرب
بود پیوسته زبان او بان مکتب تلقین بولهب بود زبان بهجاء شاه رسل و سالکان سبل وکشاده آنچه در ذات خبیث خود از

حقد

حقد و حسد میدید بپاکیزه دلان طریق مروت و پاک معاشان عالم فتوت اسناد میکرد و کفار قریش را در غلال شعار
بقتال کارزار مسلمانان تحریض مینمود حق تعالی عز اسمه رسول خدا را بر گفتار و کردار او بصبر فرمود و حکم این عفو و صفح بآیه سیف منسوخ است
آنگه برای تسلیه مسلمانان گفت إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بدرستی که خدای بر همه چیزی از تعذیب و انتقام تواناست مکافات
دشمنان شما را فرو نخواهد گذاشت پس حکم کرد اهل ایمان را بانتظار فرج و اشتغال بعبادات وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ بپای دارید
نماز را و در اکثر مواضع از قرآن نماز مومنان را بلفظ اقامت اختصاص داده چه در امر واحد چون اقم الصلوة و چه در جمع چون
اقیموا الصلوة و چه در خبر ماضی چون و اقاموا الصلوة و چه در مستقبل چون یقیمون الصلوة و چه در اسم فاعل چون المقیمین الصلوة
و آنجا که ذکر نماز منافقان میکرد اقامت را از آن باز گرفت و فرمود فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ
سَاهُونَ تا تنبیهی باشد مومنان را که کار نماز باقامت وابسته است نه بمجرد صورت و حقیقت اقامت آنست که
دل خود را متوجه حق سازند و همگی خود را بحق سپرده از اندیشهای گوناگون باز آیند تا از فیض حقیقت مناجات که المصلی یناجی ربه
بهره توانند یافت و هر که در وقت نماز از کشف رازی بی نصیب است نماز او را صورت هست و معنی نه بیت اگر نه روی دل
اندر برابرت دارم من این نماز حساب نماز نشمارم وَآتُوا الزَّكَاةَ و بدهید زکوة مال خود را در اغلب آیات زکوة با صلوة
مذکور میشود که هر دو قرینانند ابن مسعود رضی الله فرمود که هر که نماز بپای دارد و زکوة ندهد بشرط وجوب آن پس او را فلا صلاة له
وَمَا تُقَدِّمُوا و آنچه از پیش بفرستید لِأَنْفُسِكُمْ از برای خود مِنْ خَيْرٍ از مال دنیا بر سبیل نفقه و صدقه و ضیافات و انواع خیرات
تَجِدُوهُ بیابید آن را نوشته در کتاب حفظه یا بیابید ثواب و مکافات آن را عِنْدَ اللَّهِ نزدیک خدای یا ثمار آن را از نزد
حق یابید بهتر و بیشتر از آنچه فرستاده اید در کشف الاسرار آورده که حضرت صلوات الله علیه فرمود که هیچکس صدقه ندهد
الا حق تعالی آن را بیمین خود فرا گیرد و پرورش میدهد چنانچه یکی از شما اسب کره و شتر بچه را می پرورد و پس در کف رحمت
رحمن بزرگ میشود و زیاده میگردد تا وقتی که از کوه بزرگتر شود ای عزیز در آن سرای بچیزی محتاج خواهد بود که خود از پیش فرستد
که دیگران از پی نخواهند فرستاد بیت برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست در اخبار آمده که
چون کسی بمیرد مردمان در تفحص آن باشند که از وی چه واپس مانده و ملائکه تحقیق آن کنند که چه از پیش فرستاده در تفسیر عیاشی
مذکور است که بر در بهشت نوشته اند ربحنا ما قدمنا و خسرنا ما خلفنا سود کردیم بآنچه پیش فرستادیم و زیان کردیم در آنچه
واپس گذاشتیم بیت بسی بدیده حسرت ز پس نگاه کند کسی که برگ قیامت ز پیش نفرستاد إِنَّ اللَّهَ بدرستی که
حق تعالی بِمَا تَعْمَلُونَ بدانچه شما میکنید از خیرات و صدقات بَصِيرٌ بیناست این تاکید باشد در باب مکافات
یعنی چون هیچ چیز بر او پوشیده نیست لاجرم جزای هیچ عمل از وی فوت نشود گفته اند این کلام ترغیب است بر خیر چه
اگر بر قلیل مجازات میدهد همچنانکه بر کثیر و تحذیر نیز هست آن شریران از عمل یعنی نقد و غل میارید که ناقد بیناست معروف
بنگر که چه میکنی که حق می بیند دیگر یکی از خویهای ناپسندیده یهود تخلیط ایشانست و القاء شبهه در قلوب مسلمانان و دعوی

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)